

هیچ میانبری وجود ندارد



محسن آزموده

می دانم تیتیر تند و بحث برانگیزی انتخاب کرده‌ام. باخواندن آن همه می‌گویند،نه بابا، کی گفته میانبری وجود ندارد؟ هر کاری بخواهی بکنی، هزار و یک راه نزفته و کوتاه و سهل الوصول هست. مهم آن است که بگردد و پیاده کنی. طرف می‌خواهد وزن کم کند، می‌گوید به جای اینکه اینقدر به خودت گشنگی بدهی و بدو بدو کنی، بهتر است فلان گیاه را با بهمان گیاه قاطی کنی و یک چیزی شبیه معجون اسطوخودوس در سست کنی و بریزی در خندق بلا ظرف یک ماه ده کیلو وزن کم می‌کنی. هر چه می‌گویی بابا جان، با چیز خوردن که آدم وزن کم نمی‌کند، باید نخورد یا کم خورد و ورزش کرد، به گوش کسی نمی‌رود. یا شب امتحان می‌شود، طرف که در طول چهار ماه یک بار محض رضای خدا لای کتاب‌هایش راباز نکرده،می‌گویدبیا یک فرمول نشان بدهم، سر امتحان همه سوال‌ها را جواب بدهی یا فلان قرص را بندها. بالا، یک بار کتاب را بخوانی، تمامش را از بر می‌شوی. هر چه‌گویی عزیز دل، این طوری که آدم باسواد نمی‌شود، باید آهسته و پیوسته و با ممارست و تلاش درس خواند، نرد میخ آهنی در سنگ. می‌گوید: ما خواندیم و شد، تو برو الی وقت خودت را تلف کن و عمرت را ضایع و چشم‌هایت را ضعیف!

بله، همه دنبال میانبر می‌گردند. دنبال راهی برای آنکه بدون زحمت و تلاش و کوشش به نتیجه برسند. وقتی هم نمی‌رسند سرخورده و مأیوس می‌شوند. مثل مدیر یک دقیقهای یا آموزش زبان فلان در ده ساعت. وقتی به ایشان می‌گویی فلان کتاب را بخوان، عاقل اندر سفینه نگاهت می‌کنند و می‌گویند: «ای بابا، کی می‌ره این همه راه و آجونی ما را که از جواب اب کوچه پیدا نکرده‌ام که ساعت‌ها و روزهای متمادی از عمر عزیزا صرف خواندن مهملات یک ذهن مغشوش و مشوش کنم»! تو که خواندای در پنج دقیقه، نه اصلا در دو دقیقه بگو حرف حساب خواندن مت‌های مفصل را ندراد. بیشتر از این وقت، راتلف کند، به چه دردی می‌خورد؟» در نوزد ترجمه طلبی خواندم از سایمون کوپر که اصل آن در فایننشال تایمز منتشر شده، درباره اینکه ساده گرایی در دنیای امروز رواج پیدا کرده و کسی خوانده خواندن مت‌های مفصل را ندراد. نویسنده در آن مطلب از نقش حیاتی خواندن عمیق در تمدن بشری صحبت کرده بود و اینکه «هر دم با خواندن مت‌های مفصل درباره زندگی دیگر انسان‌ها، توانستند دنیا را چشم آنها ببینند و این توانایی تاثیر بسیمار مهمی در نگرش آنها درباره موضوعاتی مثل برده‌داری، شکنجه، ساحره‌سوزی، استبداد و دیگر چیزها گذاشت.»

در سایر حوزه‌ها هم وضع بر همین منوال است. طرف می‌خواهد خوشبخت شود، به جای تلاش و کوشش و کار حرف‌های عجیب و غریب می‌زند. می‌گوید باید ذهنیت و نوع نگاهت را عوض کنی، باید خوش‌بین باشی، بخند تا دنیا به تو بخندد. اگر افکار ت را درست کنی، همه چیز در سست می‌شود. بله، افکار و باور‌ها و نوع نگاهت، به رویکرد به زندگی و این چیزها خیلی مهم است. اما بی‌مایه فطیر است. اگر تلاش نکنی و زحمت نکنی و کار نکنی، نتیجه‌ای به دست نمی‌آوری. اگر تان جلوش نمی‌گذارد، آنها که می‌بینی از رزم و زار موفقیتی نمی‌نویسند و در بار این دانش‌خبر سر می‌دهند که باید مثبت‌اندیش بود و به موفقیت امیدوار و فلان و بیسار، نفس‌شان از جای گرم بندن می‌شود.

در زمان دانشجویی دوستی داشتم که در عنفوان جوانی، به جای کار و بار و ادامه تحصیل، رفت دنبال گلد کوست و از این طریق کلی پول و ثروت به‌هم زد. البته از انصاف نباید دور ماند که خیلی‌ها به رویای یک شبه پولدار شدن، وارد این کسب و کار کاذب شدند و سر به‌های کم و زیادشان را به باد فدا دادند. در گلد کوست و «بیزینس» های خطرناک و آسیب‌رسانی مثل آن به آدم‌های طماع رویامی فروختند. می‌گفتند لازم نیست مثل تراکتور کار کنی کافی است فلان قدر پول وسط بگذاری و بگرددی چند نفر مثل خودت که آنها هم دوست ت را ند سریع و بی‌دردرس پولدار شوند، پیدا کنی. سه ماه صد برابر یک کار مند به حسابت پول می‌آید. این دوست من هم وارد این کسب و کار شد. اما واقعیت این است که این رفیق سابق آدم بسیار فعال و با پشتکاری بود و قبل از این هم که وارد حلقه ناجور گلد کوست شد، خیلی کار می‌کرد و هر کسی او را می‌دید، در ناصیه‌اش موفقیت کاری می‌دید. خلاصه او به این حلقه وارد شد و از این بابت مال و منالی به‌هم زد و به آلف و علوفی رسید. پا سال دیدم کتابی منتشر کرده به اسم «معجزه انرژی» و در آن از راه موفقیت می‌گوید که خودش صحبت کرده. دیدم در یکی از روزنامه‌ها هم با او مصاحبه کرده‌اند. جالب است که نه در کتاب و نه در مصاحبه یک کلمه به گلد کوست و سرمایه‌ای که از آن این کتاب و این موفقیت نتیجه کوشش و زحمت من است و از انرژی کلمات سخن سرایی کرده.

کاری به این هم دانشگاهی قدیمی ندارم. مثل او کم نیست. کم نیستند آدم‌های ثروتمندی که وقتی پولشان از بارو بالا می‌زند، به فکر این می‌افتند که اسوار و راه‌های مگوی بیروزی‌شان را برای دیگران بگویند و آنها را پند و اندرز دهند. بخش عجیب ماجرا آنجاست که به آن فوت کوزه‌گری اشاره‌ای نمی‌کنند و فقط به بیان کلیات و حرف‌های افلاک‌شناس بسند می‌کنند.

خواننده یا مخاطب ساده هم فکر می‌کند که خنب، همین است دیگر، می‌شود انرژی درمانی و خوش‌بینی مثل آنها باشد. غافل از اینکه راه میانبری وجود ندارد. باید تلاش کرد و کوشید. پول و ثروت و خوشبختی همین‌طور از آسمان در دامن کسی نمی‌افتد. برای رسیدن به هر مقصودی باید تلاش کرد و کوشید و کام به کام راه ا‌طی کرد. باقی فسانه است.

محسن آزموده

تفکر انتقادی



سندرم دم دختر خوش شانس یکی از نسخه‌های مدرن و باز تعریف‌شده قانون جذب است که محبوبیت زیادی یافته است

نقد قانون جذب در کتاب‌های خودیاری و توسعه فردی

وعده‌های جذاب اما موهوم

قانون جذب این است که هر اتفاقی که برای فرد رخ می‌دهد، نتیجه افکار او است. بنابراین بیماری، فقر یا حتی حوادث ناگوار به «تفکر منفی» فرد نسبت داده می‌شود. این نگرش می‌تواند منجر به سرزنش خود، احساس گناه ناسالم و دور شدن از واقعیت بشود.
۴- سوگیری شناختی: تأیید قانون جذب تمایل دارد تا افراد را به «تعبیر تائیدی» سوق دهد؛ یعنی آنها فقط شواهدی که باورشان را تقویت می‌کند، ببینند و موارد مخالف را نادیده بگیرند. برای مثال، اگر فردی بعد از فکر کردن به یک دوست، تماسی از او دریافت کند، آن را نشانه‌ای از «تجلی» می‌داند، در حالی که ایمن صرفاً یک تصادف آماری است.

لازم به ذکر است که روانشناسی مثبت‌اندیشی را نمی‌توان با قانون جذب یکی دانست. در حالی که باور به توانایی‌ها، اعتماد به نفس و امیدواری می‌توانند انگیزه‌بخش باشند، قانون جذب با نادیده گرفتن واقعیت و تأکید مطلق بر ذهن، در میان تفکر سالم و تفکر غیرواقع گرایانه را از بین می‌برد.
مورد بررسی قرار داده شده است. در متن بررسی، سعی بر آن بوده که از زبان ساده جهت درک متن توسط مخاطبان عمومی استفاده شود.

■ ■ ■

ریشه تاریخی و تکامل در فرهنگ خودیاری

مفهوم قانون جذب، مفهوم جدیدی نیست؛ این ایده از جنبش «اندیشه نو» (New Thought) در اواخر قرن نوزدهم پدیدار شد. نویسندگانی مانند هلنا پلانتسکی و بعدها پرنتیس فال فور، در آلف‌ترین ویلیام واکر اتکینسون این باور را مطرح کردند که افکار می‌توانند واقعیت بیرونی را شکل دهند. این دیدگاه که ذهن می‌تواند «ماده» را تحت تأثیر قرار دهد، در آثاری همچون «بیندیش و ثروتمند شو» (۱۹۳۷) و «قدرت تفکر مثبت» (۱۹۵۲) ادامه یافت.

در سال ۲۰۰۴، راندا برن با انتشار کتاب و فیلم «راز» ایده قانون جذب، ادواریا به جریان اصلی باز گرداند. او ادعا کرد که قانون جذب «آرزای جاودانه» است؛ از دودهم، همچنان در دانشمندی همچون افلاطون، نیوتن و اینشتین نیز از آن آگاه بوده‌اند (هر چند هیچ‌سند معتبری برای این ادعا وجود ندارد). در این روایت، افکار انسان همچون آهن را عمل می‌کنند و جهان با «فرکانس» ذهنی او هم‌تراز می‌شود. باز تعریف معاصر: قانون جذب پس از دودهم، همچنان در حال باز تعریف است. آموزگار مدرنی مانند استر هیکس (۴) با آموزه‌هایی تحت عنوان «ابراهام» (۵)، ایده‌هایی مشابه را با نام «علم آفرینش آگاهانه» مطرح می‌کنند. در شبیه‌سازی اجتماعی، نسل جدیدی از کاربران را شش‌تک‌های مانند #manifesting و #lucky-girls-syndrome (مفهوم تجلی را تبلیغ می‌کنند. گاهی با رویکردی طنزآمیز و باشعاریایی نظیر «باید تا حدی خیرال‌باد باشی که انگار واقعیت را نادیده می‌گیری». اگر چه در ظاهر، زبان تغییر کرده، اما پیام اصلی همچنان همان است: «فقط کافی است باور داشته باشی» (بااین حال، روانشناسان فیلسوفان دانشمندان و منتقدان اجتماعی در برابر این ادعاها، هشدارهای جدی مطرح کرده‌اند.

نقدهای روانشناختی قانون جذب

از دیدگاه روانشناسی، قانون جذب با چندین مشکل بنیادین روبرو است. بسیاری از روانشناسان آن را نوعی «تفکر جادویی» یا «شبه‌علم» می‌دانند که می‌تواند باعث ایجاد اختلال در شناخت واحساسات طبیعی انسان شود.
۱- انتظارات غیرواقع گرایانه و ناامیدی: باورمندان به قانون جذب تشویق می‌شوند تا بدون در نظر گرفتن خواسته‌هایشان ایمان داشته باشند. اما واقعیت زندگی، سرشار از عدم قطعیت است و این ذهنیت ممکن است باعث شود که فرد در مواجهه با ناآرامی‌ها دچار ناامیدی عمیق یا افسردگی شود. روانشناس آلمانی گایر بله‌واوینتگن (۶) هشدار داده است که تمرکز بیش از حد بر نتایج، مثبت می‌تواند منجر به کاهش تلاش، سرخوردگی و حتی احساس شکست و انزوا شود.

۲- مثبت‌اندیشی سمی: قانون جذب اغلب افراد را تحت فشار قرار می‌دهد تا همواره «مثبت فکر کنند» و از احساسات منفی دوری کنند. این فرهنگ که به آن «مثبت‌اندیشی سمی» نیز گفته می‌شود، باعث می‌شود افراد اگر ترس، خشم یا اندوه را تجربه کنند، احساس گناه کنند؛ در حالی که این احساسات بخشی طبیعی از زندگی هستند و سرکوب آنها به سلامت روانی آسیب می‌زند.
۳- سرزنش قربانی: یکی از خطرناک‌ترین پیام‌های ضمنی



سندرم دم دختر خوش شانس یکی از نسخه‌های مدرن و باز تعریف‌شده قانون جذب است که محبوبیت زیادی یافته است

اعتماد به نفس را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که این عوامل ممکن است باعث افزایش انگیزه و پشتکار شوند، اما نتایج در صورتی که با برنامهریزی واقع‌بینانه و اقدام عملی همراه باشند. قانون جذب این بخش اساسی – یعنی عمل و تلاش – را نادیده می‌گیرد.
۴- اثرات منفی خیال پردازی بدون عمل: تحقیقات گایر بله اوینتگن نشان داده که خیال پردازی بیش از حد، درباره موفقیت، بدون در نظر گرفتن موانع و طرح نقشه عمل می‌تواند باعث کاهش تلاش واقعی فرد شود. (۹) فرد در دنیای ذهنی خود پادشاه را تجربه می‌کند و انگیزه‌اش برای حرکت در جهان واقعی کاهش می‌یابد.

۵- باور به تجلی و خطرات آن: پژوهشی در سال ۲۰۲۳ نشان داد که بیش از یک‌سوم افراد به مفهوم تجلی (۱۰) (manifestation) باور دارند. باور اینکه آنها اعتماد به نفس و موفقیت بالایی داشتند، اما همچنین بیشتر درگیر تصمیمات مالی پرریسک و مواردی مانند ورشکستگی بودند. این یافته نشان می‌دهد که باور غیرواقع‌بینانه به موفقیت می‌تواند باعث نادیده گرفتن خطرات شود.

۶- جایگزینی با روانشناسی رفتاری: در حالی که قانون جذب ادعا می‌کند که افکار به تنهایی قدرت آفرینش دارند، روانشناسی عملی بر تعامل میان فکر، هیجان، رفتار و محیط تأکید می‌کند. هیچ شواهدی وجود ندارد که ذهن بتواند بدون میانجی رفتار و محیط، به‌طور مستقیم واقعیت را تغییر دهد.

در مجموع، قانون جذب بر پایه شواهد علمی معتبر استوار نیست. باور به آن بیشتر به دلیل روایات‌های شخصی، نمونه‌گیری انتخابی و سوءتفاهم‌های علمی گسترش یافته است تا نتایج قابل تکرار و اثبات‌پذیر پژوهش‌های تجربی.
نقدهای فرهنگی واجتماعی قانون جذب

در کنار نقدهای روانشناختی، فلسفی و علمی، قانون جذب از منظر فرهنگی واجتماعی نیز مورد انتقاد جدی قرار گرفته‌است. این نقدها بر نقش این ایده در ترویج فردگرایی، مصرف گرایی و بی‌تفاوتی نسبت به ساختارهای ناعادلانه اجتماعی متمرکز هستند.

۱- هماهنگی با ایدئولوژی نئولیبرال (۱۲): قانون جذب با تأکید بر مسوولیت کامل فرد در سرشوندن خود، به شکلی کامل با گفتمان نئولیبرال سازگار است. این گفتمان، مسوولیت اجتماعی، سیاست‌گذاری‌های کلان و نابرابری‌های ساختاری را نادیده می‌گیرد و تمام موفقیت یا شکست را به ذهنیت فرد نسبت می‌دهد. این امر می‌تواند موجب سرزنش قربانیان فقر یا بیماری شود و بی‌عالتی‌های اجتماعی را پنهان کند.

۲- مصرف گرایی و صنعت خودیاری: قانون جذب به بخشی از صنعت میلیارد دلاری خودیاری تبدیل شده است. کتاب‌ها، دوره‌ها، سمینارها و محصولات متنوعی که وعده «موفقیت با ذهنیت» را می‌دهند، بیشتر سود را به جیب فروشنده‌ان می‌ریزند تا مخاطبان رزاندهای آلمانی مانند S ddeutsche Zeitung هشدار داده‌اند که این جریان بیشتر به نفع نویسندگان است تا خوانندگان (۱۳).

۳- فرهنگ «حلال خوب» به جای «کنش نیک»: قانون جذب افراد را تشویق می‌کند که روی احساسات خوب خود تمرکز کنند و از اخبار و مشکلات منفی فاصله بگیرند. این رویکرد ممکن است باعث بی‌تفاوتی نسبت به مسائل اجتماعی واجلافی شود و روحیه مشارکت و همدلی را تضعیف کند.

نقدهای علمی و تجربی قانون جذب
قانون جذب ادعا می‌کند که افکار انسان می‌توانند از طریق «فرکانس» یا «انرژی ذهنی» بر دنیای خارج اثر بگذارند. اما این ادعاها از منظر علمی کاملاً بی‌پایه هستند.
۱- نبود شواهد تجربی: تاکنون هیچ پژوهش علمی معتبری وجود نداشته است که نشان دهد افکار صرفاً از طریق فرکانس یا بار تعاش می‌توانند روی پدادهای بیرونی را «جذب» کنند. فیزیک، هیچ گونه‌سازوکار شناخته‌شده‌ای برای «انرژی ذهنی» یا «فرکانس افکار» که بتوانند ماده یا روی پداهای را تغییر دهند، تأیید نمی‌کند.

۲- سوءاستفاده از زبان علمی: طرفداران قانون جذب گاهی از اصطلاحاتی مانند «کنانیک کوانتومی»، «میدان انرژی» و «فرکانس ارتعاشی» استفاده می‌کنند تا ایده خود را علمی جلوه دهند. اما این استفاده معمولاً اشتباه و تحریف شده‌اند. دانشمندان این نوع تعبیرها را «شبه‌علم» (pseudoscience) می‌نامند.
۳- تفاوت میان تفکر مثبت و قانون جذب: روانشناسان سال‌هاست که اثرات تفکر مثبت، تصویرسازی ذهنی و

امیدواری باید با درک محدودیت‌ها، برنامهریزی واقعی و مشارکت جمعی همراه شود تا اثربخش باشد.
منابع:

- Psychology Today – “The Truth About the Law of Attraction.” psychologytoday.com
- S ddeutsche Zeitung – “Denken Sie sich froh!” (critical article on The Secret). sueddeutsche.de
- Tagesschau (ARD) – “Gefährliches Wunschdenken – Hype um Manifestation “. tagesschau.de
- Healthline – “Manifesting with the Law of Attraction: Healthy or Harmful?” .healthline.com
- Newtown Review of Books – Review of Barbara Ehrenreich’s Smile or Die. newtownreviewofbooks.com.au
- The Guardian – “Positive thinking can’t cure cancer” (Carl Cederström). theguardian.com
- Personality and Social Psychology Bulletin (2025) – Dixon et al. “The Psychology of Belief in Manifestation “. pubmed.ncbi.nlm.nih.gov
- Vox – “Lucky Girl Syndrome… rebranding of The Secret “. vox.com
- Wikipedia (de) – “Gesetz der Anziehung “. de.wikipedia.org

پاورقی

۱- سندرم دم دختر خوش شانس (Lucky Girl Syndrome) یکی از نسخه‌های مدرن و باز تعریف‌شده قانون جذب است که از طریق شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه TikTok (سیاست، بگانه‌زبان سخگویی هر جامعه است که فرهنگ آن را بیان می‌کند)، آمادولت، تنها بخشی از این بازی را دربر می‌گیرد و نمی‌تواند تأملی ظرفیت سیاست‌شناسانه‌کند. زیرا: زمار نامنند بوده و کامل نیست و باید همواره، برای کمال، پیشرفت و بهتر شدن، «مصحح» شود و از این طریق در قالب‌هایی متفاوت در طول روزهای مختلفی امتداد یابد. دولت، چون هر بخش دیگری از اجتماع، یک واحد سازمان‌یافته، از واژگان مربوط به سیاست معاصر، هر ملت است، بنابراین از تمرکز به خصوصی بر خود را است و دید اندکی دارد. به همین علت، دولت نمی‌تواند، هر مقدار هم که قدرتمند باشد، بیش‌تر کاملاً از تمامی امور سیاسی به دست نیاید و باید پذیرد که همه چیز بخشی از اراده است.

۲- کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید اثر ناپلئون هیل است. ناپلئون هیل در این کتاب که در زمره کتاب‌های خودیاری و توسعه فردی قرار می‌گیرد به بیان نکاتی ماری کسب ثروت و در ایجاد بزرگ‌تر دستیابی به موفقیت پرداخته است. به گفته ناپلئون هیل، وی این کتاب را با تأثیر گرفتن از راه‌های موفقیت دیگران ترکی می‌کند و ثروتمندترین افراد جهان در قرن بیستم بوده، نوشته است. این کتاب با ترجمه همین خالصی توسط انتشارات نسل نو اندیش در ایران منتشر شده است.

۳- کتاب قدرت تفکر مثبت اثر نورمن وینسنت پیل است که در باب قدرت تفکر در تأثیر گذاری بر واقعیت است. چگونگی ایجاد اعتماد به نفس و سیدن به اهداف از نحوه بر خورد با مشکلات زندگی مدرن است. وی معتقد است شاد بودن و شاد زیستن دلیل اصلی انسان برای زندگی است و در پس سال‌های سخت و نااموار همیشه مسیر روشن خواهد شد.

۴- استر هیکس (Esther Hicks) یکی از چهره‌های بسیار تأثیر گذار در ترویج نسخه معاصر قانون جذب است. او به همراه همسرش جری هیکس، از دهه ۱۹۸۰ به شهرت رسیدند و آموزه‌هایی را ارائه کردند که آنها را به یک «هستی آگاه غیرمادی» به نام ابراهام (Abraham) نسبت می‌دادند.

۵- در آموزه‌های استر هیکس، «ابراهام» مجموعه‌ای از آگاهی‌های غیرمادی یا انرژی‌های معنوی است که از طریق نوعی ارتباط کانالیزه شده (channeling) با او سخن می‌گویند. هیکس مدعی است که این موجودات معنوی از طریق او سخن می‌گویند تا «قوانین جهان» از جمله قانون جذب را برای انسان‌ها توضیح دهند.

۶- گایر بله اوینتگن (Gabriele Oettingen) روانشناس برجسته آلمانی و استاد روانشناسی در دانشگاه نیویورک (NYU) و دانشگاه هامبورگ است. او به‌طور خاص در زمینه روانشناسی انگیزش و خودتنظیمی تحقیق می‌کند و یکی از مهم‌ترین منتقدان روانشناختی «تفکر مثبت افراطی» و باورهایی چون قانون جذب به شمار می‌رود.

۷- سولپسیسم (Solipsism) یک دیدگاه فلسفی افراطی است که ادعا می‌کند تنها چیزی که فرد می‌تواند باطمینان از وجودش آگاه باشد، ذهن یا آگاهی خودش است. بر اساس این دیدگاه، وجود جهان بیرونی، دیگران و حتی بدن خود فرد، قابل اثبات نیست، چرا که همه چیز ممکن است صرفاً ساخته و تجربه ذهن فرد باشد.

۸- شبه علم یا سودوساینس (Pseudoscience) به مجموعه‌ای از باورها، روش‌ها یا نظریه‌هایی گفته می‌شود که ادعای علمی بودن دارند، اما معیارهای اساسی علم تجربی پیروی نمی‌کنند.

9- Wikipedia (de) – “Gesetz der Anziehung” (including references to Quarks podcast and G. Oettingen). de.wikipedia.org

۱۰- تجلی در ادبیات قانون جذب، یعنی «ایجاد با تحقق یک تجربه یا وضعیت خاص در زندگی، از طریق تمرکز مداوم ذهنی واحساسی بر آن».

11- Dixon I.J, Hornsey M.J, Hartley N. “The Secret” to Success? The Psychology of Belief in Manifestation. Pers Soc Psychol Bull. 2025;Jan;51(1):49-65.

۱۲- نئولیبرالیسم یک ایدئولوژی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که از دهه ۱۹۷۰ به‌ویژه در کشورها و غربی رواج یافت و تأثیر عمیقی بر سیاست‌گذاری، آموزش، روانشناسی و فرهنگ عامه گذاشت. این دیدگاه در اصل بر پایه اصول بازار آزاد بنا شده، اما به مرور به نظامی از ارزش‌ها و نگرش‌های فردگرایانه، رقابت‌محور و مسوولیت‌گریز از اجتماع تبدیل شده است.

13- S ddeutsche Zeitung – “Denken Sie sich froh!” (critical article on The Secret)

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده

محسن آزموده